

A Critical Review on the Book ***Principles of Parthian History***

Farshid Naderi*

Abstract

Our awareness of Parthian Iran has been growing in recent decades. The concise but prolific book *Principles of Parthian History* by German archaeologist Klaus Schipmann was published in 1980. The main issue of this article is the content and form critique of the book and the views of its author. The book is reviewed based on analytical and critical methods. The chapter on political history, especially its political and legal analysis in the report on relations between Rome and Iran, is one of the brilliant chapters and a turning point of the book. The annoying tightness of the social, artistic, and economic sectors and the author's refusal to provide additional information and explanations are among the book's weaknesses. Other shortcomings of the book include the lack of images, the lack of related maps, and the author's refusal to provide excerpts from the text of coins, inscriptions, and written sources. The book has a high-quality typeface, page layout, and binding. In the field of translation, in addition to the difficult and sometimes formal prose of the translator and some errors in the names of the persons, some vague equations as well as the incorrect chronology of events, the book receives an acceptable score.

Keywords: Klaus Shipman, *Principles of Parthian History*, Parthian, Political History of Parthians, Parthian Art and Culture.

* Associate Professor, Ancient History of Iran, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran,
f.naderi@scu.ac.ir

Date received: 12/09/2021, Date of acceptance: 22/01/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

کتاب مبانی تاریخ پارتیان در بوته نقد

فرشید نادری*

چکیده

آگاهی‌های ما درباره ایران اشکانی در دهه‌های اخیر روبه‌فزونی است. کتاب فشرده اما پربار *مبانی تاریخ پارتیان* نوشته کلاوس شیپمان، باستان‌شناس آلمانی، در سال ۱۹۸۰ منتشر شد. مسئله اساسی این جستار نقد محتوایی و شکلی کتاب و دیدگاه‌های نویسنده آن است. کتاب براساس روش تحلیلی و انتقادی بررسی شده است. فصل مربوط به تاریخ سیاسی، به‌ویژه تحلیل‌های سیاسی و حقوقی آن در گزارش مناسبات میان روم و ایران، از فصل‌های درخشان و نقطه عطف کتاب محسوب می‌شود. تلاش نویسنده در پاس‌داشت میراث فرهنگی اشکانیان و معرفی جایگاه واقعی آنان در چهارچوب تاریخ باستانی ایران از دیگر نکات برجسته اثر شیپمان است. فشرده‌گی آزردهنده بخش‌های اجتماعی، هنری، و اقتصادی و خودداری نویسنده در ارائه آگاهی‌ها و توضیحات تکمیلی از نقاط ضعف کتاب به‌شمار می‌رود. از دیگر کاستی‌های کتاب باید به فقدان تصاویر، کمبود نقشه‌های مرتبط، و نیز خودداری نویسنده از ارائه گزیده‌هایی از متن سکه‌ها، کتیبه‌ها، و منابع مکتوب اشاره کرد. کتاب حروف‌چینی، صفحه‌آرایی، و صحافی باکیفیتی دارد. در زمینه ترجمه، گذشته از نثر دشوار و گاه رسمی مترجم، برخی اشتباهات در نام اشخاص، برخی معادلیابی‌های مبهم، و نیز سال‌شمار نادرست روی‌داده‌ها، کتاب نمره قابل‌قبولی دریافت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ایران باستان، اشکانیان، تئنگاری، نقد کتاب، نقد محتوایی، نقد شکلی.

* استادیار تاریخ ایران باستان، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران،

f.naderi@scu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

تاریخ و فرهنگ ایران اشکانی از دوره‌های کم‌ترشناخته‌شده تاریخ ایران باستان به‌شمار می‌رود. ناچیز شمردن تاریخ و هنر اشکانی و کم‌توجهی باستان‌شناسان به لایه‌های اشکانی در کاهش آثار پژوهشی در این حوزه نقش مؤثری داشته است. چیرگی و تداوم دیدگاه‌هایی مانند گسست فرهنگی در زمینه سنت‌های ایرانی و مبحث جنجالی «یونانی‌مآبی»، تا مدت‌ها اشکانیان را از کانون توجه مورخان، باستان‌شناسان، و محققان خارج کرد. بنابراین دوره اشکانی نه به‌منزله تداوم جریان مستمر فرهنگی تاریخ ایران، بلکه به‌منزله میان‌پرده‌ای در توالی دودمان‌های شاهی در چهارچوب تاریخ ایران پیش از اسلام، هم‌راه با دیدگاهی بدبینانه تلقی می‌شد (Widengren 1987: 437). باوجوداین، گذشته از معدود دیدگاه‌های منصفانه پیشین، در دهه‌های اخیر با آغاز انتشار برخی آثار متفاوت مکتب نوینی در پژوهش‌های ایران اشکانی شکل گرفت و برخی دیدگاه‌های بدبینانه بازنگری اساسی شد (درباره نقش آغازگر و جریان‌ساز ولسکی در این زمینه، بنگرید به نادری ۱۳۹۷ ب). در این رویکرد، در دوره اشکانی نه فقط گسست فرهنگی و انزوای سنت‌های ایرانی را شاهد نیستیم، بلکه در بسیاری از این موارد، ساسانیان میراث‌خوار اشکانیان به‌شمار می‌آیند (بنگرید به سرخوش کرتیس ۱۳۹۲؛ ولسکی ۱۳۸۳؛ ولسکی ۱۳۸۸؛ شکوری‌فر و نصرالله‌زاده ۱۳۹۵؛ زرین‌کوب و نادری ۱۳۹۳).

کتاب مبانی تاریخ پارتیان در جهت تأکید بر همین دیدگاه منتشر شده است. کتاب حاضر می‌تواند به‌منزله درس‌نامه برای دانشجویان موردتوجه قرار گیرد. در این جستار، تلاش می‌شود فقط به کلیاتی در معرفی کتاب بسنده نشود و محتوای اثر با رویکردی انتقادی و تحلیلی در بوتۀ نقد قرار گیرد.

۲. پیشینه تحقیق

تاکنون مقاله مستقلی درباره معرفی انتقادی کتاب شیپمان در زبان فارسی نگاشته نشده است. فقط می‌توان به یادداشت کوتاهی اشاره کرد که به اهمیت کتاب اشاره کرده است (ططری ۱۳۸۵: ۵۳-۵۵). دو یادداشت انتقادی کوتاه نیز به زبان آلمانی به فاصله سه و هفت سال پس از انتشار کتاب به‌قلم دو تن از ایران‌شناسان برجسته منتشر شده است. یورگ واگنر در سال ۱۹۸۳ و گئو ویدن‌گرن در سال ۱۹۸۷ در مقالات کوتاهی اثر شیپمان را نقد کرده‌اند. نویسندگان در نگارش این جستار از مطالب این مقالات بهره برده است.

۳. معرفی کتاب و نویسنده آن

کتاب مبانی تاریخ پارتیان ترجمه متن آلمانی اثر زیر است:

Schippmann, Klaus (1980), *Grundzuge der Parthischen Geschichte*, Darmstadt Wissenschaftliche Buchgesellschaft, 132 pages.

کلاوس شیپمان، باستان‌شناس آلمانی، در ۱۹۲۴ در کیل آلمان به دنیا آمد. ورود او به عرصه پژوهش‌های تاریخ و باستان‌شناسی ایران حاصل مسافرتی نه‌ماهه بین سال‌های ۱۹۵۹-۱۹۶۰ به خاورمیانه بود. شیپمان پس از مسافرت یادشده و تا پایان عمر به پژوهش در تاریخ و باستان‌شناسی پرداخت و آثار برجسته‌ای در این زمینه از خود به یادگار گذاشت. وی از سال ۱۹۶۱ در رشته باستان‌شناسی خاورمیانه (گرایش ایران) در دانشگاه گوتینگن شروع به تحصیل کرد و در ۱۹۶۹ به دریافت درجه دکتری موفق شد. شیپمان از سال ۱۹۷۲ با درجه استادی در همین دانشگاه به تدریس پرداخت. وی در کاوش‌های هفتون‌تپه و نوشی‌جان‌تپه حضور داشت. از مهم‌ترین آثار شیپمان می‌توان به *آتشکده‌های ایران، مبانی تاریخ پارتیان، مبانی تاریخ ساسانیان، و نقش برجسته‌های الیمایی ایران از دوره اشکانی با همکاری لویی واندنبرگ* اشاره کرد (شیپمان ۱۳۸۶: «سخنی از مترجم»). خوش‌بختانه، علاوه بر کتاب موردبحث این جستار، بیش‌تر آثار شیپمان نیز به فارسی ترجمه شده‌اند (بنگرید به شیپمان ۱۳۸۶؛ شیپمان ۱۳۸۴؛ واندنبرگ و شیپمان ۱۳۸۶).

۴. معرفی شکلی اثر

مبانی تاریخ پارتیان را نشر و پژوهش فرزانه‌روز در سال ۱۳۸۴ با برگردان هوشنگ صادقی، با تیراژ ۲۲۰۰ نسخه، در قطع وزیری، با جلد گالینگور، و در ۱۵۵ صفحه منتشر کرد. کتاب حاضر تاکنون چندین بار تجدید چاپ شده است. کتاب شامل کوه‌نوشت‌ها، پیش‌گفتار، هشت فصل جداگانه، و پیوست‌هایی با عنوان گاه‌شماری، کتاب‌شناسی، و نمایه است. عناوین فصل‌های هشت‌گانه از این قرار است: ۱. منابع، ۲. جغرافیا، ۳. تاریخ پارتیان، ۴. ساختار امپراتوری پارت، ۵. اقتصاد در شاهنشاهی پارتیان، ۶. سپاه، ۷. دین، و ۸. هنر. ترجمه کتاب در مجموع بسیار خوب است. با این حال، در برخی موارد ابهامات و غلط‌های فاحشی نیز دیده می‌شود. برای نمونه، باید به جمله نامفهوم و گنگ «پوست‌نوشته‌های اورامان که در سال ۱۹۰۹م در دهکده پلنگان در نزدیکی اورامان- داغ کردستان ایران پیدا شده بود» (شیپمان ۱۳۸۶: ۹) اشاره کرد. در بخش «سپاه» در جمله «به اصطلاح» تیراندازی

پارتی“ این سواران بلندآوازه است که مبتنی بر رگبار تیری بود که در حالت قیقاج به‌هنگام فرار ظاهری انداخته می‌شد» (همان: ۱۱۷)، مترجم تلاش کرده است تا گونه‌ای تاکتیک جنگی را توصیف کند که با ابهام عجیب جمله ناکام مانده و خواننده را سردرگم کرده است. همچنین، در برخی موارد در ترجمه برخی اصطلاحات فنی از برگردان‌ها و معادل‌های مهجوری استفاده شده است. برای نمونه در فصل مربوط به هنر، در ترجمه «hieratismus»، اصطلاح ناآشنای «هیریدباوری» به کار رفته است (همان: ۱۲۵). از طرف دیگر، برخی اشتباه‌های تایپی و مفهومی به‌ویژه در سال‌شمار حوادث می‌تواند بسیار گمراه‌کننده باشد. برای نمونه در صفحه ۷، سال ۳۳ میلادی به جای سال ۱۳ میلادی؛ در صفحه ۵۹، سال ۶۳ میلادی به جای سال ۳۶ میلادی؛ در صفحه ۵۷، سال ۱/۱۱ میلادی به جای سال ۱۰/۱۱ میلادی؛ در صفحه ۹۷، پیش از سده ششم میلادی به جای پیش از سده ششم قبل از میلاد؛ در صفحه ۳۰، مهرداد دوم به جای مهرداد یکم؛ در صفحه ۲۱، فهرسب به جای فهرست؛ در صفحه ۱۳۳، سال ۲۷۱ به جای سال ۲۱۷؛ در صفحه ۶۰، واژه آرسنیوکراسی به جای آریستوکراسی؛ در صفحه ۱۲۷، شمس به جای شمس؛ در صفحه ۱۲۶، جمله نامفهوم و عجیب «حفاری‌ها در نسا تازه از سال ۱۹۴۶ در حجم وسیعی از سر گرفته شد و حتی در ایران، تعداد اندکی امکان‌پذیر است بزرگ‌تری را می‌شناسیم...»؛ در صفحه ۱۲۷، استفاده از واژه کم‌تر شناخته‌شده «پیراشهر» از جانب مترجم کتاب به جای حومه یا پیرامون شهر؛ در صفحه ۱۲۸، کاربرد واژه نامفهوم «تختان - بنا».

نکته دیگر به بحث رسم الخط و تلفظ نام‌های خاص برمی‌گردد. در ضبط این اسامی نویسنده رویه واحدی را در پیش نگرفته و میان تلفظ و نگارش نام‌ها با املای یونانی و رومی سرگردان است (Wagner 1983: 253). از سوی دیگر، نثر به نسبت متکلف و دشوار مترجم هم‌راه جملات کوتاه و ناتمام، به‌ویژه در بخش تاریخ سیاسی، گاهی خواننده را سردرگم می‌کند. با همه این‌ها، در ارزیابی‌ای کلی ترجمه کتاب نمره قابل قبول و خوبی دریافت می‌کند.

۵. ارزیابی محتوایی کتاب

۱.۵ پیش‌گفتار

نویسنده در پیش‌گفتار به برشمردن برخی دشواری‌ها در نگارش تاریخ دوره اشکانی می‌پردازد (شیپمان ۱۳۸۶: ۵-۷). از نظر وی، مهم‌ترین این دشواری‌ها عبارت‌اند از: کمبود

آشکار منابع، ناچیز بودن کاوش‌ها و یافته‌های باستان‌شناختی، تیراژ محدود گزارش‌های باستان‌شناختی و انتشار آنها به زبان روسی، و کم‌توجهی به تاریخ و فرهنگ ایران اشکانی (همان: ۵). وی دیدگاه رایج منابع کلاسیک را، که اشکانیان را «یونانی‌مآب» و «بربر» معرفی می‌کنند، موردنقد قرار داده است و ضرورت بازنگری در تاریخ این دوران را گوش‌زد می‌کند. از نظر شیپمان، برای به‌دست‌دادن تصویر جامعی از تاریخ ایران اشکانی باید به دوران پیش از پیدایش پادشاهی اشکانی نیز توجه کرد (همان). این تلاش بیش‌تر بر ایدهٔ برابری سیاسی و فرهنگی دودمان اشکانی با سلسله‌های هخامنشی و ساسانی و یادآوری اهمیت و جایگاه ممتاز اشکانیان در چهارچوب تاریخ باستانی ایران تأکید می‌کند.

۲.۵ منابع

فصل اول کتاب، زیرعنوان «منابع»، به دسته‌بندی سرچشمه‌های پژوهش در تاریخ اشکانیان اختصاص یافته است (شیپمان ۱۳۸۶: ۷-۱۹) (برای دسته‌بندی منابع، بنگرید به ولسکی ۱۳۸۳: ۱۹-۲۷؛ ویدن‌گرن ۱۳۸۰: ۸۷۳-۸۸۴؛ ویزه‌هوفر ۱۳۹۲؛ ویزه‌هوفر ۱۳۸۵: ۱۵۵-۱۶۹؛ تفضلی ۱۳۸۶: ۷۳-۸۱؛ فرای ۱۳۸۲: ۳۳۱-۳۳۳؛ دویواز ۱۳۹۶: ۲۱۵-۲۲۶). نویسنده مهم‌ترین منابع دورهٔ اشکانی را سفال‌نبشته‌های نسا معرفی می‌کند. وی فقط به ذکر چند نکتهٔ کلی در رابطه با سفال‌نبشته‌ها بسنده می‌کند؛ ازجمله این‌که آن‌ها اسنادی مالی به‌منظور ثبت در انبارداری شاهی هستند. درمورد زبان این اسناد به اختلاف محققان در آرامی یا پارتی بودن آن‌ها نیز اشاره می‌کند (شیپمان ۱۳۸۶: ۹). نویسنده، به‌منظور آشنایی بیش‌تر خواننده، از ارائهٔ چند نمونه از متن یا دست‌کم تصاویر این اسناد دریغ کرده است. همین نقیصه درمورد سند مهم بعدی یعنی پوست‌نبشته‌های اورامان نیز صادق است (همان: ۹-۱۰). در این‌جا نیز فقط به ذکر موضوع سند، یعنی فروش تاکستانی، بسنده کرده و از پرداختن به جزئیات بیش‌تری هم‌چون ارائهٔ ترجمهٔ گزیده‌ای از متن یا گنجاندن تصاویر اسناد خودداری کرده است. در ادامهٔ معرفی منابع، به پایپروس‌های شهر دورااوروپوس اشاره می‌کند. نویسنده گرچه در این‌جا به فشردگی از معرفی و توضیح این منابع می‌گذرد، در بخش تاریخ اجتماعی با تفصیل بیش‌تری به معرفی آن‌ها بازمی‌گردد (همان: ۱۰۵). در ادامه، از نوشته‌هایی به زبان آرامی در شهرهای هترا و آسور یاد می‌کند، بی‌آن‌که از موضوع یا اهمیت آن‌ها سخنی به‌میان آورد (همان: ۱۰). در معرفی کتیبه‌هایی که به زبان پارتی نگاشته شده‌اند نیز همان فشردگی و خساست آزردهندهٔ پیشین در ارائهٔ آگاهی‌های بیش‌تر به‌چشم

می‌خورد. مثلاً در گزارش یادمانی که اردوان چهارم برای ساتراپ شوش (خواسک) برپا داشته و کتیبه‌ای از گودرز در سرپل زهاب، نویسنده حتی به نام گودرز و خواسک هم اشاره‌ای نمی‌کند. در بحث یادمان‌ها و کتیبه‌های الیمایی نیز فقط به یادکرد اشاره‌گونه‌ای به کتیبه‌های واقع در تنگ سروک بسنده کرده و حتی از پرداختن به نقش برجسته و کتیبه مهم مهرداد یکم در خونگ نروزی خودداری کرده است. سبک فشرده شیپمان در معرفی و نقد منابع دوران اشکانی درمورد یکی از مهم‌ترین منابع یعنی سکه‌های اشکانی نیز تداوم می‌یابد. وی فقط به ذکر این نکته که سکه‌ها اهمیت ویژه‌ای دارند و سجع آن‌ها تا مدت‌ها یونانی و سپس پارتی بود، بسنده می‌کند و خواننده خود را با پرسش‌های بی‌پاسخ رها می‌کند. درباره منابع یونانی و رومی آگاهی‌های بیش‌تری به خواننده انتقال می‌یابد. برای نمونه، می‌توان به این موارد اشاره کرد: اهمیت «پلوتارک» در لشکرکشی‌های رومیان علیه اشکانیان، اهمیت «استرابون» در توصیف جغرافیای کشور پارت، اهمیت «پلینیوس» در توصیف جغرافیای آسیا و پارت، و در نهایت اهمیت «ایزیدورخاراکسی» در توصیف چاپارخانه‌های پارتی در شاه‌راه بزرگ غربی- شرقی شاهنشاهی اشکانی از دریای مدیترانه تا افغانستان (همان: ۱۱-۱۲). گذشته از این منابع، شیپمان به معرفی برخی منابع یونانی و رومی دیگر نظیر خلاصه یوستینیوس از اثر گم‌شده تروگوس پمپوس، تاریخ پارت نوشته آپلودوروس آرمیتایی، و پارتيكاي آريانوس پرداخته است. گزارش نویسنده با معرفی کوتاه منابع چینی پایان می‌یابد. با توجه به جایگاه سرنوشت‌ساز ارمنستان، جای خالی منابع ارمنی در فهرست منابع کاملاً مشهود است. از نقطه نظر ویدن‌گرن، منابع اسلامی، سریانی، ارمنی، و بابلی بررسی نشده‌اند. از سوی دیگر، نویسنده کتاب درک چندان درستی از منابع نسا نداشته و آن‌گونه که شایسته است به معرفی منابع بومی، به‌ویژه سکه‌ها و کتیبه‌ها که به زبان پهلوی نگاشته شده‌اند، نپرداخته است. هم‌چنین توجه بیش از اندازه به منابع یونانی، رومی، و چینی موجب غفلت از بررسی دیگر منابع، از جمله منابع اخترشناسی نوبابلی، شده است (Widengren 1987: 439-440). نکته دیگری که در نقد منابع از آن غفلت شده، بی‌توجهی شیپمان به نقش اشکانیان در گردآوری تاریخ ملی ایران است. سخن برسر بخش پهلوانی شاهنامه و میراث ادبی و حماسی اشکانیان و خاندان‌های حکومت‌گر ایرانی در این دوره است. بخش قابل توجهی از تاریخ اشکانیان از طریق داستان‌های پیشدادیان و کیانیان قابل بررسی و بازسازی است (یارشاطر ۱۳۸۰: ۵۸۶). هم‌چنین باید به کوتاهی وی از یادکرد

آثاری نظیر ویس و رامین، یادگار زریران، و درخت آسوریک به منزله آثاری که اشکانی بودن ریشه‌های آن‌ها مورد اجماع قرار گرفته است، اشاره کرد (Widengren 1987: 441). از سوی دیگر، واگنر نیز مشکلات بخش منابع اثر شیپمان را فشردگی بیش از اندازه بخش منابع چینی، کیفیت پایین کتاب‌شناسی منابع یونانی و رومی، و ناسازگاری آگاهی‌های ناشی از سکه‌شناسی با تفسیر شیپمان از منابع ارمنی و عربی یا همان منابع اسلامی می‌داند (Wagner 1983: 252). گزارش شیپمان از بررسی درجه اولویت و اهمیت سرچشمه‌های پژوهش در دوره اشکانی بسیار فشرده، سطحی و ابتدایی، و نارسا و شتاب‌زده است. همچنین، باتوجه به تخصص اصلی وی در رشته باستان‌شناسی، کوتاهی وی در نپرداختن بیش‌تر به آثار باستان‌شناختی نظیر کتیبه‌ها، سفال‌ها، مهرها، معرفی سایت‌های اشکانی، و آثار هنری قابل توجه نیست.

۳.۵ جغرافیا

فصل دوم کتاب با عنوان «جغرافیا» به بررسی جغرافیای شاهنشاهی اشکانی پرداخته است. پیشینه و ریشه‌شناسی نام «پَرثَوَه» در کتیبه‌های هخامنشی و تحولاتی نظیر انضمام آن به هیرکانیا و تقسیم آن به استان‌های کوچک‌تر در دوران هخامنشی، اسکندر، امپراتوری سلوکی، و سپس اشکانی از جمله مباحثی است که شیپمان در کمال فشردگی به آن پرداخته است (شیپمان ۱۳۸۶: ۱۷-۱۸). وی یکی از مهم‌ترین تقسیمات ساتراپی پرتوه را به دوران فرمان‌روایی مهرداد دوم (۱۲۴-۸۸ پم) مربوط می‌داند که در آن «ساتراپی سابق هخامنشی پرتوه (به انضمام هیرکانیا) به استان‌های کوچک متعددی یعنی پارتیه‌نه، استائنه، آبه‌ورک‌تیکنه (یا آبه‌ورتنه)، هیرکانیا، کومیسنه، و خوآرنه تقسیم شده است» (همان: ۱۸). به دلیل تناقض‌گویی منابع کلاسیک یونانی و رومی و کمبود یافته‌های باستان‌شناختی، تعیین محل دقیق مکان‌های نام‌برده شده در این منابع دشوار است و همین مسئله موجب اختلاف نظر میان محققان امروزی در جایابی این اماکن تاریخی شده است. نویسنده در ادامه این بحث به برخی گمانه‌پردازی‌ها در جایابی برخی ایالات و شهرهای اشکانی نظیر منطقه پارتیه‌نه، شهر دارا، استان استائنه، منطقه کومیسنه، و خوآرنه پرداخته است (همان: ۱۹). شیپمان در ادامه بحث به این مسئله می‌پردازد که پارت در اصل نامی جغرافیایی است نه قومی و در آینده و پس از شکل‌گیری شاهنشاهی اشکانی بار معنایی قومی به خود گرفت. واپسین مبحث این بخش به پیوند زبان پارتی با زبان مادی، پذیرش زبان پارتی از جانب پرنی‌های

مهاجم و نیز دست‌کشیدن آن‌ها از زبان مادری خود، و درنهایت گسترش زبان پارتی در سراسر ایران در دوران اشکانی به‌منزله زبان رسمی اداری اختصاص یافته است (همان: ۲۰). اگرچه گزارش و توصیف شیپمان از جغرافیای پارت در مقایسه با گزارش وی از منابع این دوران از درخشش بیش‌تری برخوردار است، جای خالی ارائه برخی نکات اساسی در این بخش آشکار است. از جمله این موارد نادیده‌انگاشتن یک گزارش مهم و درعین‌حال کم‌نظیر پلینی، جغرافی‌دان رومی (Plini 1961)، است که در آن به تقسیم‌بندی اداری و فهرست ساتراپ‌های اشکانی اشاره کرده است. به‌تعبیر پلینی، یازده قلمرو شاهی در بخش علیا و هفت قلمرو شاهی در بخش سفلی واقع شده بود. این گزارش می‌توانست به‌شکل مؤثری بخش جغرافیای اثر شیپمان را کامل‌تر و غنی‌تر کند (برای دیدن تفسیر مناسبی از گزارش پلینی، بنگرید به ویزه‌هوفر ۱۳۸۵: ۱۸۵-۱۸۶؛ بنگرید به بخش «مدارکی راجع به بخش‌های امپراتوری و شهرهای اشکانی»، ویزه‌هوفر ۱۳۹۲). ازسوی دیگر، در این بخش به پایتخت‌های متعدد اشکانیان، که در فرایند گسترش سرزمینی و افزایش تدریجی کشورگشایی‌ها به‌ضرورت تغییر می‌کردند، اشاره‌ای نشده است. بااین‌حال، بهره‌مندی وی از گزارش‌های باستان‌شناختی در بخش جغرافیا و نیز تلاش وی در بازسازی هرچند تقریبی حدود جغرافیایی فرامان‌روایی اشکانی را می‌توان از نقاط قوت اثر شیپمان به‌شمار آورد. ویدن‌گرن تفسیر جغرافیایی شیپمان را دارای مشکل دانسته و واگنر نیز کوتاه‌نویسی وی در بخش جغرافیا در مقایسه با زیاده‌نویسی نویسنده در بخش تاریخ سیاسی را از نقاط ضعف کتاب دانسته است (Widengren 1987: 440; Wagner 1983: 255).

۴.۵ تاریخ پارتیان

فصل سوم به «تاریخ پارتیان» پرداخته است. این فصل گسترده‌ترین و درعین‌حال درخشان‌ترین فصل کتاب شیپمان است (شیپمان ۱۳۸۶: ۲۳-۹۶). نویسنده این فصل را به چهار قسمت با عنوان‌های ۱. آغازها، ۲. شاهنشاهی پارت از مهرداد اول (حدود ۱۳۸/۱۳۹-۱۷۱ پم) تا مهرداد دوم (حدود ۸۷/۸۸-۱۲۳/۱۲۴ پم)، ۳. پارت و روم، و ۴. جمع‌بندی تقسیم کرده است. به‌تعبیر واگنر، «کتاب شیپمان یک ارزیابی به‌روز از تاریخ سیاسی پارت است که چهل سال پس از کتاب تاریخ سیاسی پارت دوبواز [دوبواز ۱۳۹۶] منتشر شده است» (Wagner 1983: 251). هم‌چنین، باید به تسلط و بیش‌درخور تحسین

نویسنده در تحلیل تاریخ سیاسی و مناسبات ایران و روم توجه کرد. تلاش شیپمان در ارائه راه‌حلی میانه درباره مناسبات سیاسی روم و ایران و تأکید بر چیزی فرای دشمنی آشکار میان دو طرف از نقاط مثبت کتاب به‌شمار می‌رود (ibid.: 254). این امتیاز ناشی از مطالعات و تخصص وی در زمینه حقوق بین‌الملل است. از نظر ترسیم ساختار سیاسی شاهنشاهی اشکانی نیز گزارش شیپمان دربردارنده نکات جالبی است. دقت وی در تفکیک ساختار فئودالی اشکانیان از ساسانیان از جمله این موارد است (Widengren 1987: 442). ازسوی دیگر، به تعبیر واگنر، دستاورد کتاب شیپمان «ارائه یک پاسخ نوین برای ساختار سیاسی پارت است که به‌عنوان یک حکومت مطلقه، از امکان گسترش بر مبنای نظامی‌گری برخوردار بوده است. حکومتی با میزان بالای آریستوکراسی با حق انحصاری سلطنت برای خاندان اشکانی» (Wagner 1983: 254). تلاش نویسنده برای به‌دست‌دادن گزارشی منسجم از تاریخ سیاسی از آن جهت حائز اهمیت است که تاریخ سیاسی ایران اشکانی سرشار از گسست‌ها، نقاط مبهم، پیچیده، و گاه درک‌ناپذیر است. برای نمونه، می‌توان به سردرگمی مورخان در پرکردن شکاف‌های دورانی موسوم به «عصر تاریکی» اشاره کرد. این برهه زمانی حداثی مرگ مهرداد دوم (۷۱۷م) تا پادشاهی فرهاد سوم (۷۱۷م) را در بر می‌گیرد (بنگرید به بیوار ۱۳۸۰: ۱۴۲-۱۴۷). نمونه دیگر به آشفتگی بیش از اندازه گزارش تاریخ سیاسی این دوران در برهه زمانی پایان پادشاهی بلاش یکم (۷۷م) تا آغاز پادشاهی بلاش چهارم (۱۲۹م) بازمی‌گردد (همان: ۱۸۶-۱۹۳). براساس این ملاحظات، بایستی تلاش شیپمان در کنار نهادن موانع و گرفتاری‌های پیش‌روی خود را ستودنی و تا حدود زیادی موفقیت‌آمیز دانست. از دیگر نکات راه‌گشای کتاب می‌توان از پیوست سودمندی در پایان اثر با عنوان «گاه‌شماری» یاد کرد (شیپمان ۱۳۸۶: ۱۳۳-۱۳۷). این پیوست به‌ویژه برای دانشجویانی که از تاریخ سیاسی پیچیده و گاه کسالت‌آور اشکانیان دچار سردرگمی شده‌اند، می‌تواند به‌منزله راه‌نمایی کاربردی مؤثر باشد. بخش «جمع‌بندی» شیپمان در انتهای فصل تاریخ سیاسی از جمله نقاط عطف کتاب به‌شمار می‌رود (همان: ۸۰-۸۳). در این جا خواننده کتاب پس از مطالعه یک دور تاریخ سیاسی طولانی، مبهم، یک‌نواخت، و پرفراز و نشیب اشکانیان، با مطالبی شفاف و بنیادین درباره اشکانیان مواجه می‌شود. تلاش نویسنده در ارزیابی منصفانه و به‌دور از تعصب اشکانیان و تأکید بر جایگاه آن‌ها، ترسیم خطوط ایران‌گرایی اشکانیان، ارائه تفسیر میانه‌ای از جریان موسوم به «یونانی‌مآبی» اشکانیان، و درنهایت تشریح عوامل و دلایل فروپاشی اشکانیان از نکات کلیدی بخش جمع‌بندی محسوب می‌شوند.

به اعتقاد من، زمان آن فرا رسیده است تا با اندیشه‌هایی مأنوس شد که پارتیان دارای حقوقی برابر با هخامنشیان و ساسانیان و یکی از سه سلسله بزرگ ایران باستان بودند که از هر لحاظ به میراث پیش‌گام بزرگشان هخامنشیان آگاه بودند و ازسوی دیگر، جانشین آن‌ها، ساسانیان، به نوبه خود در بسیاری زمینه‌ها برای مثال در حوزه سیاسی، فرهنگی، و زبانی در سنت سلفشان قرار داشت (همان: ۸۱).

با همه مزایا و نقاط قوتی که تاکنون برای بخش تاریخ سیاسی اثر شیپمان برشمردیم، می‌توان از برخی کاستی‌ها نیز سخن به میان آورد. گذشته از تفصیل بیش از اندازه بخش تاریخ سیاسی، بایستی به متن دشوار، خشک، و یک‌نواخت نویسنده در توصیف روی داده‌های سیاسی این دوره اشاره کرد. ازسوی دیگر، نبود توازن و تعادل کافی و مناسب در حجم فصل‌های کتاب از کاستی‌ها و معایب آشکار آن به‌شمار می‌رود. در مقایسه با فصل ۶۴ صفحه‌ای «تاریخ پارتیان»، فصل‌های «اقتصاد در شاهنشاهی پارتیان» در سه صفحه، «سپاه» در دو صفحه، «دین» در دو صفحه، و «هنر» فقط در پنج صفحه تنظیم شده‌اند. فشردگی بیش از اندازه این فصول تا جایی است که واگنر در یادداشت انتقادی خود پیش‌نهاد ادغام و ترکیب آن‌ها با بخش تاریخ سیاسی و نیز کاهش حجم این بخش و پرداختن بیش‌تر به مباحث فرهنگی و جغرافیایی را مطرح می‌کند (Wagner 1983: 253-255). ازسویی، باتوجه به موقعیت استراتژیک و اهمیت فرهنگی و سیاسی ویژه ارمنستان، باید نقد روش‌مند و معنادار ویدن‌گرن درباره دیدگاه شیپمان در قبال ارمنستان را مدنظر قرار دهیم. از نظر وی، شیپمان درباره پیوستگی فرهنگی و زبانی ارمنستان با ایران اشکانی دیدگاه درستی ندارد و در نظر گرفتن ارمنستان به منزله بخشی مجزا رویکرد مناسبی نیست. این از آن‌روست که ارمنستان در بسیاری موارد از جمله در فرهنگ و زبان به شکل جدی دارای اشتراک فراوانی با ایران است (Widengren 1987: 439). با این همه، باتوجه به دشواری‌ها، تنگناها، افتادگی‌ها، و پیچیدگی‌های تاریخ سیاسی ایران در دوره اشکانی، می‌توان به عملکرد نویسنده در توصیف تاریخ اشکانیان نمره قابل قبولی داد.

۵.۵ ساختار امپراتوری پارت

در این بخش، نویسنده در صدد است تا براساس شواهد باستان‌شناختی و منابع موجود، شرح مختصری را از ساختار اجتماعی شاهنشاهی اشکانی به دست دهد (شیپمان ۱۳۸۶: ۹۷-۱۱۳). وی برای سهولت و نظم بیش‌تر این بررسی را در بخش‌های سه‌گانه زیر

دسته‌بندی می‌کند: ۱. شرایط اجتماعی از هزاره دوم تا سده ششم پیش از میلاد، ۲. روند تحول از سده ششم تا پیدایش شاهنشاهی پارت، ۳. جامعه پارت از سده دوم پیش از میلاد تا سده سوم پس از میلاد. این بخش به دلیل پرداختن به مباحث اجتماعی و ترسیم خطوط تطور خاندان نوپای اشکانی از آغاز تا تثبیت قدرت و افزایش قلمرو سرزمینی و نیز تکوین ساختار سیاسی فرمانروایی اشکانیان در سده‌های آتی حائز توجه و اهمیت بیش‌تری است. ازسوی دیگر، مباحث جذاب، بدیع، و به نسبت شیرین این بخش، که بیش‌تر از آگاهی‌های باستان‌شناختی مؤلف ناشی شده، در مقایسه با بخش طولانی و پیچیده تاریخ سیاسی توانسته است تا حدود زیادی به برقراری تعادل و نیز تلطیف ساختار اثر شیپمان یاری رساند.

۱.۵.۵ شرایط اجتماعی از هزاره دوم تا سده ششم پیش از میلاد

در این‌جا نویسنده تلاش می‌کند تا با اتکا به گزارش‌های باستان‌شناختی، روند استقرار و موقعیت اجتماعی منطقه پارت و پیرامون آن را تشریح کند. وی به سه فرهنگ شناخته‌شده اشاره می‌کند: ۱. «فرهنگ دهستان» که به تقریب از ۱۲۰۰ تا ۶۵۰ پم را در بر می‌گیرد و به عصر برنز متأخر تعلق داشته است. اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و دام‌داری شاخصه این فرهنگ است. زیستگاه‌های کوچک و بزرگ، شبکه آبیاری گسترده، و حاکمیت قشر ممتازی که در دژهای محصور می‌زیستند، از دیگر ویژگی‌های فرهنگ دهستان به‌شمار می‌رود. احتمالاً پرنی‌ها (داهه‌ها) با این فرهنگ در ارتباط بوده‌اند. فرهنگ دوم در دامنه‌های کوپه‌داغ (در سمت قره‌قوم) در منطقه آخال قرار دارد. این فرهنگ گاهی فرهنگ «پارت کهن» یا «نمازگاه ۴» نیز خوانده می‌شود. حصارهای بزرگ و ارگ مستحکم از ویژگی‌های این فرهنگ به‌شمار می‌رود. سومین فرهنگ مرغاب یا «مارگیانای کهن» است. «یاز تپه» در این ناحیه احتمالاً شکل حکومتی بزرگی را نمایندگی می‌کرده است. بنابر دیدگاه نویسنده، می‌توانیم در مورد این سه منطقه اتحادیه‌های حکومتی بزرگی را تخمین بزنیم. شبکه آبیاری وسیع، دژهای محصور، زیستگاه‌ها، و پیدایش آهن نشان‌دهنده سطح بالای تحول اجتماعی هستند:

در حال، یافته‌های باستان‌شناختی دهه‌های اخیر مؤید این نکته است که ما در این مناطق، که به‌زودی می‌بایست هسته شاهنشاهی بعدی پارت‌ها در آن‌جا تشکیل شود، دیگر نمی‌توانیم بنا را بر این فرض بگذاریم که تازه در دوران هخامنشی یا هلنیستی شهرها یا بهتر است گفته شود تشکلهای حکومتی به‌وجود آمده‌اند و پیش از این دوره فقط چادرنشینان در این منطقه اقامت داشتند، بلکه باید این روند تحول شهری از

مدت‌ها قبل، از اواخر هزاره سوم و بعداً با آغاز عصر آهن، حدود ۱۰۰۰ ق م با شدت بیش‌تری شروع شده باشد (شیپمان ۱۳۸۶: ۱۰۰).

گنجاندن این بخش به‌منزله پیش‌درآمد و مقدمه‌ای ضروری به دیدگاه و نگرش نویسنده بازمی‌گردد. این نگرش نوین و تاحدودی مثبت ناشی از تلاش نویسنده در بازسازی منصفانه‌تر تاریخ اشکانیان است. این بخش درحقیقت در پاسخ به دیدگاه‌های منفی و یک‌جانبه برخی نویسندگان به تاریخ ایران اشکانی نگاشته شده است. براساس دیدگاه شیپمان، اشکانیان در منطقه‌ای نشوونما یافتند که از گذشته‌های دور، دست‌کم از هزاره ششم پیش از میلاد، در معرض تمدن و بنیان‌های آن قرار داشته‌اند. بنابراین، دیدگاهی که اشکانیان را صرفاً چادرنشینان و بیابان‌گردانی به‌دور از مظاهر شهرنشینی معرفی می‌کند، از طریق مباحث این بخش، که بر مبنای داده‌های باستان‌شناختی شیپمان سازمان‌دهی شده‌اند، به‌چالش کشیده می‌شوند.

۲.۵.۵ روند تحول از سده ششم پیش از میلاد تا پیدایش شاهنشاهی پارت

در این بخش و درامتداد مباحث بخش پیشین، نویسنده تلاش می‌کند که روند تحولات اجتماعی منطقه پارت از دوره هخامنشی تا شکل‌گیری شاهنشاهی اشکانی را ارزیابی کند. هدف اصلی شیپمان توجه‌دادن به این بحث است که خاندان اشکانی با محوریت اقدامات جسورانه و شخصیت برجسته آرشک به خاندان نوین شاهی مبدل می‌شوند و اطرافیان آرشک به‌باور کهن ایرانی فره‌مندبودن وی اعتقاد یافته‌اند. به‌تدریج، گذشته از شکل‌گیری دربار و نیز آیین‌های درباری، رشد روزافزون طبقه‌ای اشرافی با محوریت خانواده سلطنتی، بزرگان، و افراد پیرامون آن‌ها را شاهدیم. این بخش از کتاب درپی ترسیم خطوط این تحولات اجتماعی است. بر این اساس، درپی کشورگشایی‌های هخامنشیان در آسیای مرکزی، به‌ویژه در ناحیه ترکمنستان جنوبی و با نابودی‌ها و برخی ویرانی‌ها، شواهد باستان‌شناختی هیچ نشانه‌ای از عقب‌گرد یا حتی ایستایی به‌دست نمی‌دهند (شیپمان ۱۳۸۶: ۱۰۰). گذشته از شهرهای بزرگی نظیر مرو و سمرقند، بخش اعظم این منطقه بایستی سرزمینی روستایی با دهکده‌های خرد و کلان بی‌شمار بوده باشد. در دوره سلوکی، گذشته از جای‌گزینی فردی مقدونی یا یونانی به‌جای کلان‌زمین‌دار سابق و نیز مستعمره‌سازی‌های سلوکیان و گسترش فرهنگ یونانی، همه‌چیز به روال سابق خود بود. پرنی‌های مهاجم (خاندان آرشک) در چنین شرایطی در منطقه اسکان یافتند. احتمالاً آن‌ها در

جایگاه طبقه فرادست جای‌گزین کلان‌زمین‌داران شده‌اند. در این برهه ما فقط با یک جامعه استپ‌نشین چادرنشین مواجه نیستیم، بلکه با سازندگان زیستگاه‌های بزرگ و کانال‌های آبیاری روبه‌روییم (بنگرید به آلبریخت ۱۳۹۲: ۱-۵۷). در دوره اولیه پرنی‌ها (دوران فرمان‌روایی آرشک نخست و دوم) با دگرگونی در ساختار اجتماعی مواجهیم. تلاش آرشک به‌منظور تحکیم موقعیت فردی از این نشانه‌ها آشکار است: تاج‌گذاری وی در شهر آساک، تعیین سال تاج‌گذاری وی به‌منزله مبدأ تاریخ اشکانیان، و ضرب سکه (شیپمان ۱۳۸۶: ۱۰۲؛ درباره آرشک، بنگرید به ویزه‌هوفر ۱۳۸۵: ۱۶۹-۱۷۲؛ ولسکی ۱۳۸۳: ۶۳؛ نادری ۱۳۹۷ الف: ۱۱۵-۱۱۷). شیپمان در ادامه تلاش می‌کند گزارش مختصری را از سلسله‌مراتب اجتماعی در فرمان‌روایی اشکانی به‌دست دهد. در این برهه در ساختار اجتماعی دولت اشکانی می‌توان گذشته از شاه به واسال‌های بزرگ و تعداد محدودی کلان‌زمین‌دار نیز، که در مقام شهرب استانی را اداره می‌کردند، اشاره کرد. در کنار این واسال‌های بزرگ اشراف معمولی قرار داشتند، سپس روستاییان ناآزاد (وابستگان)، و سرانجام بردگان (شیپمان ۱۳۸۶: ۱۰۳؛ درباره موقعیت اجتماعی در دوره اشکانی، بنگرید به ویزه‌هوفر ۱۳۸۵: ۱۷۵-۱۸۳).

۳.۵.۵ جامعه پارت از سده دوم پیش از میلاد تا سده سوم پس از میلاد

به‌منزله واپسین بخش تحولات اجتماعی، نویسنده به دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی شاهنشاهی اشکانی در دوران فرمان‌روایی مهرداد یکم (۱۷۱-۱۳۸ پم) به این سوی پرداخته است. در این زمان، ازیک‌سو شاهد کشورگشایی‌ها و در نتیجه گسترش قلمرو سرزمینی و ازسوی دیگر برقراری تماس‌های فرهنگی پادشاهی اشکانی با ساختارهای اجتماعی نوینی در میان‌رودان هستیم (شیپمان ۱۳۸۶: ۱۰۳). از دیگر نکات مهم و جریان‌ساز این دوران باید به تعمیق ایران‌گرایی در میان اشکانیان اشاره کرد (همان: ۱۰۴؛ ولسکی ۱۳۸۳: ۱۱۱). هم‌چنین، در این مرحله با شاهنشاه مقتدری مواجهیم که به بسیاری از سنن کهن واقعی نمی‌نهد. جانشینی مهرداد یکم، برادر فرهاد یکم، و کنار نهادن سنت جانشینی فرزند ارشد، اعدام اوربازوس سفیر پارتی در دوران مهرداد دوم (۱۲۳-۸۷ پم)، و اعدام سورن سپهسالار سپاه اشکانی در نبرد با کراسوس در دوران ارد دوم (۵۸-۳۸ پم) از جمله نشانه‌های رشد روزافزون اقتدار شاهنشاه به‌شمار می‌روند. با گسترش اراضی، اشراف نیز، که تیول‌داران بزرگ به‌شمار می‌رفتند، دارای امتیازها و اختیارات بیش‌تری شدند (شیپمان ۱۳۸۶: ۱۰۴؛ بنگرید به لوکونین ۱۳۸۰: ۹۲-۱۰۴). در ادامه این فصل شیپمان به

افزایش قدرت اشراف و برخی دخالت‌های آنان در عزل و نصب پادشاهان اشکانی می‌پردازد. پیدایش غاصبان سلطنت و قدرت رو به افزایش ساتراپ‌ها نشانه قدرت اشراف است که در سده نخست پیش از میلاد نهاد سلطنت را به چالش کشیدند (بنگرید به جلیلیان و دیگران ۱۳۹۸). بر مبنای تحلیل شیپمان، در این زمینه می‌توان به استفاده گودرز از عنوان عجیب «شهرب شهرب‌ها» به قیاس شاه‌شاهان استناد کرد. هم‌چنین پوست‌نوشته شماره ۱۰ دورا وروپوس نشان‌دهنده برخی القاب و زوایای قدرت اشراف است (شیپمان ۱۳۸۶: ۱۰۵). از نقاط عطف اثر شیپمان در توصیف ساختار اجتماعی دولت اشکانی تلاش وی در تشریح مسئله «فئودالیسم» و تحلیل دلایل ناسازگاری این ساختار با تاریخ ایران اشکانی است. وی مقایسه شرایط حاکم بر اروپا در قرون وسطی با شرایط اجتماعی ایران اشکانی را نادرست دانسته است و استدلال می‌کند که برقراری نظام موسوم به فئودالیسم را برای این دوران نمی‌توان به شکل کامل پذیرفت (همان: ۱۰۶-۱۰۷؛ بنگرید به ویدن‌گرن ۱۳۷۸: ۱۵۳).

۶.۵ اقتصاد در شاهنشاهی پارتیان

خلاصه مهم‌ترین مباحث کتاب در این فصل از این قرار است: اذعان نویسنده که قبل از هر چیزی بایستی درباره دادوستد بحث شود، چراکه آگاهی‌ها درباره کشاورزی، که قاعدتاً اهمیت ویژه داشته، ناچیز است. این ناآگاهی درباره صنایع دستی نیز صادق است. شروع گسترده تجارت در مقیاس وسیع میان غرب و چین از مجرای ایران بایستی پس از آمدن هیئت چینی به ایران در دوران پادشاهی مهرداد دوم (۱۲۴-۸۷ پم) مرتبط باشد (شیپمان ۱۳۸۶: ۱۱۳). شیپمان به نخستین کاروان رسمی، که در سال ۱۱۴ پم از چین عازم غرب شد، اشاره می‌کند. وی اهمیت نوشته ایزیدور خاراکسی با عنوان «چاپارخانه‌های پارتی» را، که در شناخت کاروان‌سراهای مسیر شرقی غربی تجارت کمک شایان توجهی می‌کند، یادآور شده است. تجارت دریایی از طریق شهر مهم بندری «اسپاسنیوخاراکس» در خلیج فارس نیز از دیگر راه‌های تجاری به شمار می‌رفت. شبکه رودخانه‌ای و آب‌راه‌های عالی فرات هم درخور ذکر است (همان: ۱۱۴). این تجارت با واسطه‌گری اشکانیان انجام می‌شد. پارتیان از طریق گمرک‌خانه‌های فراوان و مالیات‌های گوناگون بر کالاهای مورد معامله سود سرشاری می‌بردند. شیپمان درآمد پارتیان از این طریق را قابل توجه توصیف می‌کند. بردگان، ارغوان، عطر، روغن زیتون، چهارپایان، پوست، نمک، تندیس‌های برنزی، طلا، نقره، پارچه، و ابریشم مهم‌ترین کالاهای صادراتی و وارداتی بودند

(همان: ۱۱۵). زردآلو، هلو، و آهن سیری یا فولاد از چین به ایران و انار یا میوه پارتی، تاک، و یونجه از ایران به چین آورده شد. اسبان نسایی، که در چین به «اسبان آسمانی» شهرت یافتند، از جمله کالاهای موردعلاقه چینیان بود که از ایران وارد می شد (بنگرید به کیانراد ۱۳۹۶: ۱۲۱). در بخش پایانی این فصل، نویسنده به شکل کوتاه و زودگذری به برخی مالیات‌های آن دوران از جمله مالیات سرانه موسوم به «کراگا»، مالیات ارضی موسوم به «تسقا»، و مالیات بر محصول اشاره کرده است (شیپمان ۱۳۸۶: ۱۱۵).

بخش اقتصادی اثر شیپمان، همانند دیگر فصل‌های مرتبط با فرهنگ و تمدن کتاب، بسیار فشرده و به سبکی دانش‌نامه‌ای نوشته شده است، درحالی‌که با استفاده از برخی آگاهی‌ها در سفال‌نبشته‌های نسا و چرم‌نبشته‌های اورامان، دست‌کم امکان بازسازی تقریبی برخی ویژگی‌های اقتصادی از جمله سیستم مالیات‌گیری اشکانیان در نیمه نخست فرمان‌روایی آنان فراهم است (بنگرید به لوکونین ۱۳۸۰: ۱۴۵-۱۴۸؛ کیانراد ۱۳۹۶: ۲۸۱-۲۸۵). شیپمان فقط در بخش پایانی مباحث اقتصادی خود به مالیات‌های جنسی از جمله شراب در تاکستان‌های نسا اشاره کوتاه و مبهمی کرده و از ارائه هرگونه آگاهی‌های تکمیلی در این باره خودداری می‌کند. در این جا جای خالی ارائه متن، تحلیل، و تفسیر دست‌کم یک یا دو نمونه از این اسناد مشهود است. با این همه، تمرکز و تأکید نویسنده عمدتاً بر ارائه برخی آگاهی‌های کلی اقتصادی با محوریت بازرگانی در دوره اشکانی و به دست دادن فهرستی از کالاها و راه‌های بازرگانی است (شیپمان ۱۳۸۶: ۱۱۳-۱۱۵؛ بنگرید به کیانراد ۱۳۹۶؛ لوکونین ۱۳۸۰: ۱۳۸-۱۴۵؛ ویزه‌هوفر ۱۳۸۵: ۱۸۵-۱۸۷).

۷.۵ سپاه

سبک فشرده شیپمان در فصل کوتاه «سپاه» (شیپمان ۱۳۸۶: ۱۱۷-۱۲۰) تداوم پیدا کرده است. با وجود این، ارائه آگاهی‌ها و اطلاعات بیش‌تر و جذاب را می‌توان وجه تمایز این فصل با دیگر فصل‌های کتاب دانست. تلاش نویسنده در دسته‌بندی اجزای سپاه اشکانی، ترسیم ویژگی‌ها و خویش‌کاری‌های آن‌ها، و ارائه جزئیات بحث در عین اختصار ویژگی اساسی این فصل است. تفکیک سواره‌نظام سبک اسلحه از سواران سنگین اسلحه و برشمردن ویژگی‌ها و کارکرد هریک از آن‌ها در ترکیب ارتش اشکانی و مباحث کوتاهی درباره شمار و ترکیب اجتماعی سپاه در دوره اشکانی همراه وظایف پیاده‌نظام از دیگر مطالبی است که در این فصل مورد بحث قرار گرفته‌اند. شیپمان در ابتدای فصل

سرچشمه‌های آگاهی‌های مفید درباره سپاه اشکانی را این‌گونه برمی‌شمارد: ۱. آگاهی‌های مندرج در متون مورخان باستان، ۲. آثار باستان‌شناختی، ۳. نقوش جنگ‌جویان پارتی در سنگ‌نگاره‌ها و دیوارنگاره‌ها (همان: ۱۱۷). باین‌همه، با مطالعه این بحث درمی‌یابیم که مطالب فصل سپاه عمدتاً براساس بند یکم، یعنی متون یونانی و رومی، سازمان‌دهی شده و از دیگر منابع استفاده مفیدی نشده است. هم‌چنین هیچ تصویر و طرحی که بتواند در تکمیل مباحث مطرح‌شده به خواننده کتاب یاری رساند، پیوست نشده است. ازسویی، در این بخش مباحث مهم و جنجال‌برانگیزی در حوزه ارتش اشکانی موردغفلت واقع شده است؛ مباحثی نظیر ارتش دائمی یا موقت در دوره اشکانی، وابستگی یا عدم وابستگی شاهان اشکانی به اشراف در تجهیز و بسیج ارتش، پرچم و نمادهای ارتش در دوره اشکانی، فرهنگ سلحشوری، سوارکاری، جنگ‌آوری، پهلوانی، جایگاه سورنا در ارتش اشکانی، و اهمیت مزدوران در ساختار ارتش اشکانی (بنگرید به شاپور شهبازی ۱۳۷۵: ۲۸-۳۰؛ ویزه‌هوفر ۱۳۸۵: ۱۸۷؛ ولسکی ۱۳۸۳: ۱۲۹). باین‌همه، همان‌طورکه گفته شد، فصل «سپاه» یکی از فصول درخشان مبانی تاریخ پارتیان محسوب می‌شود.

۸.۵ دین

فصل مربوط به «دین» به همان گرفتاری و مشکل پیشین، یعنی «فشرده‌نویسی» دچار است (شیپمان ۱۳۸۶: ۱۲۱-۱۲۵). در این‌جا مؤلف شواهدی را درباره اوضاع دینی ایران در دوره اشکانی، هرچند کوتاه و شتاب‌زده، دسته‌بندی کرده است، باین‌حال، فقط به ارائه کلیاتی نظری درباره آمیختگی عقاید دینی در دوره موردبحث بسنده می‌کند. شیپمان مشکل ابهام اساسی منابع درباره اوضاع دینی این دوران را یادآور می‌شود. وی هم‌چنین، ضمن تأکید بر تعلق بیش‌تر داده‌های دینی به بخش غیرایرانی پادشاهی اشکانی، ازجمله ارمنستان، بین‌النهرین، و آسیای صغیر، این‌گونه نتیجه می‌گیرد که «دشوار بتوان از طریق این داده‌ها به تشریح وضع دینی سرزمین اصلی ایران در دوره اشکانیان پرداخت». از دیدگاه او، مشکل دیگر به نبود کاوش‌ها و گزارش‌های باستان‌شناختی درباره ابنیه آیینی این دوران و نبود منابع کافی برمی‌گردد. نویسنده امکان پاسخ به این پرسش که آیا دین زردشتی در دوره اشکانیان رسمیت داشته یا خیر را دشوار می‌داند. شیپمان برخی خصوصیات دین در این دوران را این‌گونه توصیف می‌کند: پرستش آب و نیاکان، آتش جاودانه مشتعل در آساک جایی که نخستین شهریار پارت در آن‌جا تاج‌گذاری کرد، و آمدن نام‌های زردشتی در

سفال‌نشته‌های نسا. هم‌چنین وی رواج و گسترش آیین‌های سامی و هلنی در نیمه غربی امپراتوری را یادآور می‌شود. از منظر شیپمان، این دوران با رواداری دینی فوق‌العاده‌ای همراه بود که تبادل معنوی میان شرق و غرب را ایجاد می‌کرد.

گذشته از کلی‌گویی و تأکید بر مباحث عمدتاً نظری و نیز کوتاهی نویسنده در تحلیل شواهد و مستندات مربوط به بحث دین، برخی نواقص و مشکلات از این قرار است: نادیده‌انگاشتن یک تحول بزرگ دین ایرانی در دوره اشکانی یعنی گسترش پرستش میتره یا مهر در میان ایرانیان به‌ویژه در شرق ایران، بی‌توجهی به ترسیم دست‌کم خطوط و مسیرهای تأثیر متقابل هلنیسم و آیین‌های دینی یونانی، سامی، و ادیان ایرانی بر یک‌دیگر در دوره اشکانیان (بنگرید به کالیبری ۱۳۹۴: ۴۲۷-۴۵۵)، فقدان برخی آگاهی‌ها و مستندات برجسته و تأثیرگذار در حوزه اندیشه دینی اشکانیان از جمله شیوه‌های تدفین، گاه‌شماری زرتشتی به‌کاررفته در سفال‌نشته‌های نسا و کتیبه اردوان چهارم (۲۱۳-۲۲۴م)، و نیز گزارش متون پهلوی و سنت زرتشتی درباره اقدام احتمالی «بلاش»، شاهنشاه اشکانی، در گردآوری نسخه‌های/اوستا (ویزه‌هوفر ۱۳۸۵: ۱۹۰-۱۹۱). بنابراین، تحلیل نویسنده از تاریخ اندیشه دینی در دوره اشکانی را فقط باید گزارشی کلی، کوتاه، فاقد بینش کافی، و غیرراه‌گشا قلمداد کرد (بنگرید به کولپه ۱۳۸۰: ۲۵۶-۲۸۱؛ بویس ۱۳۹۵: ۱۰۷-۱۳۱؛ دوشن‌گیمن ۱۳۷۵: ۲۷۳-۳۰۳؛ دیاکونف ۱۳۵۱: ۱۱۷-۱۲۱).

۹.۵ هنر

فصل هنر از نظر کمیت و کیفیت، در مقایسه با دیگر فصل‌ها، دارای برجستگی، گیرایی، و مباحث جدی‌تری است. این تمایز در وهله نخست به پیشینه پژوهشی و تحصیلات مؤلف در حوزه باستان‌شناسی بازمی‌گردد. تسلط شیپمان به مباحث تاریخ هنر، سبک‌ها و ویژگی‌های هنر ایرانی، و اشراف وی بر سایت‌های باستانی و گزارش کاوش‌ها سبب برتری فصل هنر شده است. در این‌جا خواننده کتاب، برخلاف فصل‌های پیشین که با کلیاتی سر بسته همراه بود، با ارائه و تحلیل داده‌ها و آگاهی‌های بیش‌تری همراه با ذکر نمونه و جزئیات مشروح مواجه می‌شود. نقدها و ملاحظات شیپمان بر برخی دیدگاه‌ها و نظریات راستوفتسف و اشلومبرژه درباره هنر اشکانیان حاوی نکات نوین و بدیعی است. از جمله این نکات باید به لحاظ‌کردن تأثیرات هنر آسیای مرکزی و نیز دفاع وی از یک سبک آمیخته و ترکیبی در برابر سبک هلنیستی ناب آثار نسا اشاره کرد. وی مبدع اصطلاح

«هنر پارتی» را راستوفتسف می‌داند. باین حال، توضیح می‌دهد که هنر در نظر راستوفتسف عمدتاً دربرگیرنده مناطقی چون دورااوروپوس، هترا، آسور، و پالمیراست تا سرزمین اصلی پارتیان. وی براساس دیدگاه راستوفتسف، مهم‌ترین ویژگی‌های هنر پارتی را روح‌باوری، هیردباوری، خط‌نگاشت‌گرایی، واقع‌گرایی، و به‌خصوص ویژگی تمام‌رخ‌نمایی معرفی می‌کند (شیپمان ۱۳۸۶: ۱۲۵). شیپمان سپس به طرح دیدگاه اشلومبرژه درباره هنر پارتی پرداخته و سه مؤلفه هنر پارتی از دیدگاه وی را یونانی، ایرانی کهن (هخامنشی)، و ایرانی نو (طوائف چادرنشین، پرنی‌ها/ پارتی‌ها، سکاها، و کوشان) معرفی می‌کند. از دیدگاه اشلومبرژه، خاستگاه هنر پارتی نه نسا، که متأثر از هنر یونانی است، بلکه بین‌النهرین (تیسفون) است. در این‌جا نیز شیپمان، با یادآوری میزان ناچیز آثار یافت‌شده اشکانی در تیسفون، دیدگاه اشلومبرژه را به‌چالش می‌کشد (همان: ۱۲۶). مهم‌ترین مکان‌ها برای بررسی هنر پارتی از این‌جا قرارند: ۱. هترا با معبد بزرگ خدای خورشید یا شَمَش. در هترا پیدایش «مدل نو فضا» یعنی ایوان از اهمیتی ویژه برخوردار است. هم‌چنین تزئین بنا و کاربرد بیش از اندازه گچ‌بری اهمیت ویژه‌ای دارد؛ ۲. مکان بعدی نسا در ترکمنستان امروزی است. دو مجتمع شامل نسای کهن و نو. نسای جدید شامل منطقه مسکونی شهر به‌هم‌راه ارگی با مساحت دوازده هکتار و نیز پیراشهری با مساحت سی‌صد هکتار است. در زمینه دست‌سازهای هنری باید به تکوک‌هایی (ریتون) از جنس عاج، که ریخت شاخ دارند، و تندیس‌هایی عمدتاً از جنس مرمر، که الگوهای یونانی-هلنیستی دارند، اشاره کرد. اشلومبرژه هنر پارتی نسا را «مرحله دربار هلنیست‌مآب ایرانی» نامیده است. باین‌همه، شیپمان تأثیر فرهنگ‌های پیشین منطقه (نمازگاه، یازتپه، و دهستان) را هم یادآوری می‌کند و به یک سبک هنری ترکیبی اعتقاد دارد (همان: ۱۲۶-۱۲۸). در سال‌های اخیر اوضاع اماکن باستانی حفاری‌شده به‌نفع دوران پارتیان بهبود یافته است و بیش‌تر آثار در کردستان و خوزستان قرار دارند: کنگاور، قومس، و منطقه الیمایی با سنگ‌نگاره‌هایی با ویژگی تمام‌رخ‌نمایی که تأثیرات هلنیستی یا سامی را انعکاس نمی‌دهند و نمونه‌ای از هنر خالص با ویژگی‌های ایرانی را نمایش می‌دهند (بنگرید به واندن‌برگ و شیپمان ۱۳۸۶؛ کوامی ۱۳۹۲؛ چیت‌ساز ۱۳۹۴).

فصل هنر کتاب شیپمان در مقایسه با دیگر فصل‌های کتاب کیفیت بهتری دارد، اما به برخی از مهم‌ترین آثار هنری اشکانی از جمله کتیبه‌های سلطنتی نپرداخته است. برای نمونه، باید به کتیبه‌های شاهان اشکانی در بیستون، شوش، و سرپل زهاب اشاره کرد (بنگرید به

کوامی ۱۳۹۲: ۵۵). هم‌چنین، باید به کوتاهی و غفلت نویسنده در پرداختن به برخی نکات مهم در زمینه هنر اشکانی از جمله مبحث پوشش (بنگرید به سرخوش کرتیس ۱۳۹۲: ۷۵) و نیز ویژگی‌های هنری سکه‌های اشکانی اشاره کرد (برای هنر اشکانی، بنگرید به اشلومبرژه ۱۳۸۰؛ بوسایلی ۱۳۸۹؛ آذرنوش ۱۳۹۴؛ موسوی ۱۳۹۴؛ کوامی ۱۳۹۲؛ فون‌گال ۱۳۹۲).

۶. نتیجه‌گیری

مبانی تاریخ پارتیان، برخلاف حجم مطالب ناچیزش، در به‌دست‌دادن تصویری شفاف و فراگیر از ایران اشکانی کام‌یاب بوده است. بااین‌همه، فشرده‌نویسی زیاده از اندازه، به‌ویژه در فصل‌های اجتماعی و اقتصادی، از جمله نقاط ضعف کتاب محسوب می‌شود. تلاش شپیمان در پاس‌داشت میراث فرهنگی اشکانیان و بازسازی وجهه سیاسی و فرهنگی آنان و بازنگری در برخی انگاره‌ها و دیدگاه‌های سنتی از جمله نکات برجسته و مهم اثر وی به‌شمار می‌رود. ارائه تحلیلی نوین از مبحث جنجالی «یونانی‌مآبی» و توجه به فرایند «ایران‌گرایی» اشکانیان از دیگر خطوط اساسی نگرش نویسنده است. برخی ملاحظات انتقادی وی درباره سبک‌ها و الگوهای هنری اشکانیان حائز اهمیت است. تاریخ سیاسی کتاب بی‌تردید درخشان‌ترین فصل کتاب است. تحلیل‌های منحصربه‌فرد وی در گزارش مناسبات ایران و روم با تکیه بر مبانی حقوق سیاسی و بین‌الملل موجب گیرایی و جذابیت بیش‌تر این فصل شده است. گنجاندن فصلی با محوریت «شرایط اجتماعی پارت» و توجه به تأثیرات فرهنگ‌های پیشین در ساختار فرهنگی و اجتماعی پادشاهی اشکانی از دیگر نقاط عطف اثر شپیمان محسوب می‌شود. رعایت نکردن تعادل و تناسب حجم فصل‌های کتاب موجب خدشه‌دار شدن کلیت اثر شده است. هم‌چنین، به‌منزله دیگر کاستی‌های کتاب باید به فقدان تصاویر، کمبود نقشه‌های مرتبط، و خودداری نویسنده از ارائه گزیده‌هایی از متن سکه‌ها، کتیبه‌ها، و منابع مکتوب اشاره کرد. کتاب از حروف چینی، صفحه‌آرایی، و صحافی باکیفیتی برخوردار است. در زمینه ترجمه، گذشته از نثر دشوار و گاه رسمی مترجم، برخی اشتباهات در نام اشخاص، برخی معادل‌یابی‌های مبهم، و سال‌شمار نادرست روی داده‌ها، ترجمه کتاب نمره قابل‌قبولی دریافت می‌کند. کتاب از نظر صحافی، حروف چینی، و صفحه‌آرایی کیفیت خوب و مناسبی دارد.

کتاب‌نامه

- آذرنوش، مسعود (۱۳۹۴)، «تاریخ هنر اشکانیان»، در: *تاریخ جامع ایران*، ج ۴، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، سرویراستاران: حسن رضائی باغبیدی و محمود جعفری دهقی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- اشلومبرژه، دانیل (۱۳۸۰)، «هنر پارتی»، در: *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، ج ۳، قسمت ۲، گردآوری احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- البریخت، مارک (۱۳۹۲)، «فرهنگ مناطق استپی و روابط میان جمعیت کوچ‌گر و یک‌جانشین»، در: *امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن (مجموعه مقالات)*، گردآوری یوزف ویزه‌هوفر، ترجمه هوشنگ صادقی و دیگران، تهران: فرزانه‌روز.
- بوسایلی، ماریو (۱۳۸۹)، «هنر پارتی»، در: *هنر پارتی و ساسانی*، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران: مولی.
- بویس، مری (۱۳۹۵)، *زرتشتیان، باورها و آداب دینی آن‌ها*، ترجمه عسکر بهرامی، تهران: ققنوس.
- تفضلی، احمد (۱۳۸۶)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به‌کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
- جلیلیان، شهرام و دیگران (۱۳۹۸)، «نقش اشراف در عزل و نصب پادشاهان اشکانی (از برآمدن اشکانیان تا پایان پادشاهی اردوان دوم)»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، س ۹، ش ۲.
- چیت‌ساز، محمدرضا (۱۳۹۴)، «معماری و هنر الیمایی»، در: *تاریخ جامع ایران*، ج ۴، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، سرویراستاران: حسن رضائی باغبیدی و محمود جعفری دهقی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- دوبواز، نیلسون (۱۳۹۶)، *تاریخ سیاسی پارت*، ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران: علمی و فرهنگی.
- دیاکونف، م. م. (۱۳۵۱)، *اشکانیان*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- زرین‌کوب، روزبه و فرشید نادری (۱۳۹۳)، «اشکانیان و سنت‌های کهن ایرانی: پای‌بندی یا عدم تقید اشکانیان به سنت‌ها و موارث فرهنگ ایرانی»، *جستارهای تاریخی*، س ۵، ش ۲.
- سرخوش‌کرتیس، وستا (۱۳۹۲ الف)، «تجدید حیات ایرانی در دوره پارتیان»، در: *شاهنشاهی اشکانیان*، ویراسته وستا سرخوش‌کرتیس و سارا استوارت، ترجمه مانی صالحی‌علامه، تهران: پارسه.
- سرخوش‌کرتیس، وستا (۱۳۹۲ ب)، «لباس و پوشش سر در دوره اشکانی»، ترجمه فرید جواهرکلام، در: *امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن*، گردآوری یوزف ویزه‌هوفر، تهران: فرزانه‌روز.

- سلوود، دیوید (۱۳۸۰)، «سکه‌های پارتی»، در: *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، ج ۳، قسمت ۱، گردآوری احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۷۵)، «ارتش در ایران باستان»، *باستان‌شناسی و تاریخ*، س ۱۰، ش ۲.
- شکوری‌فر، ملیحه و سیروس نصرالله‌زاده (۱۳۹۵)، «پی‌گیری سنت‌های ایرانی در سکه‌های اشکانی»، *جستارهای تاریخی*، س ۷، ش ۱.
- شیپمان، کلاوس (۱۳۸۴)، *مبانی تاریخ ساسانیان*، ترجمه کیکاوس جهان‌داری، تهران: فرزانه‌روز.
- شیپمان، کلاوس (۱۳۸۶)، *مبانی تاریخ پارتیان*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: فرزانه‌روز.
- ططری، علی (۱۳۸۵)، «پارتیان و ساسانیان؛ رقیبان قدرت‌مند»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۰۷ و ۱۰۸.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۷۷)، *میراث باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۲)، *تاریخ باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- فولتس، ریچارد (۱۳۹۶)، *دین‌های ایران باستان*، ترجمه امیر زمانی، تهران: دیبایه.
- فون‌گال، هوبرتوس (۱۳۹۲)، «معماری و پیکرتراشی در عهد پارتیان»، در: *امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن*، گردآوری یوزف ویزه‌هوفر، ترجمه هوشنگ صادقی و دیگران، تهران: فرزانه‌روز.
- کالیبری، پییر. فرانچسکو (۱۳۹۴)، «دین در دوره سلوکی و اشکانی»، ترجمه اسفندیار طاهری، در: *تاریخ جامع ایران*، ج ۴، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، سرویراستاران: حسن رضائی باغبیدی و محمود جعفری دهقی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- کوامی، ترودی (۱۳۹۲)، *هنر یادمانی ایران در دوره اشکانی*، ترجمه یعقوب محمدی‌فر و علیرضا خونانی، همدان: دانشگاه بوعلی‌سینا.
- کولپه (۱۳۸۰)، «سیر اندیشه دینی؛ دوره پارتی»، در: *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، ج ۳، قسمت ۲، گردآوری احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- کیان‌راد، خسرو (۱۳۹۶)، *بازرگانی در روزگار اشکانیان*، تهران: بازرگانی.
- گیمن‌دوشن، ژاک (۱۳۷۵)، *دین ایران باستان*، ترجمه رؤیا منجم، تهران: فکر روز.
- لوکونین، ولادیمیر (۱۳۸۰)، «نهادهای سیاسی، اجتماعی و اداری، مالیات‌ها و دادوستد»، در: *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، ج ۳، قسمت ۲، پژوهش دانشگاه کمبریج، گردآوری احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- موسوی، محمود (۱۳۹۴)، «هنر و معماری اشکانی»، در: *تاریخ جامع ایران*، ج ۴، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، سرویراستاران: حسن رضائی باغبیدی و محمود جعفری دهقی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

- نادری، فرشید (۱۳۹۷ الف)، «مبانی و ریشه‌های مشروعیت شاه در دوره اشکانی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، س ۲۸، دوره جدید، ش ۳۹.
- نادری، فرشید (۱۳۹۷ ب)، «بررسی و نقد نوشته‌های یوزف ولسکی درباره تاریخ و فرهنگ ایران اشکانی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، س ۱۸، ش ۱۰.
- واندنبگ، لویی و کلاوس شپیمان (۱۳۸۶)، نقوش برجسته منطقه الیمایی در دوران اشکانی، ترجمه یعقوب محمدی‌فر و آزاده محبت‌خو، تهران: سمت.
- ولسکی، یوزف (۱۳۸۳)، شاهنشاهی اشکانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- ولسکی، ژوزف (۱۳۸۸)، «اشکانیان و ساسانیان»، در: نوشته‌هایی درباره تاریخ و فرهنگ اشکانیان، گردآورنده فرانتس آلتهایم، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری.
- ویدن‌گرن، گئو (۱۳۸۰)، «منابع تاریخ پارتیان و ساسانیان»، در: تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ج ۳، قسمت ۲، پژوهش دانشگاه کمبریج، گردآوری احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- ویزه‌هوفر، یوزف (۱۳۸۵)، ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- ویزه‌هوفر، یوزف (گردآورنده) (۱۳۹۲)، امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن (مجموعه مقالات)، ترجمه هوشنگ صادقی و دیگران، تهران: فرزانه‌روز.
- یارشاطر، احسان (۱۳۸۰)، «تاریخ ملی ایران»، در: تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ج ۳، قسمت ۱، پژوهش دانشگاه کمبریج، گردآوری احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

Plini (1961), *Natural History*, H. Rackham (trans.), Cambridge, Massachusetts, Harvard University Press.

Wagner, Jörg (1983), "Klaus Schippmann, Grundzüge der Parthischen Geschichte, Darmstadt, Wissenschaftliche Buchgesellschaft, 1980, 132 S. Karte (Grundzüge 39) (Review)", *Die welt des Orients*, Band 14, Published by Vandenhoeck & Ruprecht.

Widengren, Von. Geo (1987), "Erwägungen zur Parthischen Geschichte", *OLZ*, Band 82, no. 5.